

در رثای علامه ذوالفنون

علامه ذوالفنون آیت الله حسن زاده آملی با آن همه مقامات معنوی و محبوبیت اجتماعی، مصداق واقعی عبد صالح خدا بود و حتی پس از ارتحال نیز محبوبیت و مقبولیت ایشان در نزد آحاد مردم جهان رو به فزونی است و این بار مردم با اصالت جویبار فرار است دومین همایش ملی هفت شهر عشق را با حضور شاگردان ایشان و فرهیختگان علمی در مصلاهی این شهرستان برگزار کنند.

به گزارش خبرنگار ایرنا، یکی از ظلم‌های آشکار به بزرگان عقل و علم و عرفان و ادب، متمرکز شدن روی یک یا دو مورد از القابی است که اگر چه شاید برای افکار عمومی، بزرگ و محترم باشند، اما برای بزرگی که آن لقب‌ها، کوچکترین لقب در بین القاب بسیار بزرگ اوست، نه تنها لطفی نیست، بلکه ظلمی فاحش است.

مثلا اینکه مولانا فیلسوف و دانشمند بزرگی است که ضمنا شعر هم می‌گفت، از اینکه مولوی را فقط یک شاعر بدانیم، قطعاً نگاه و شناخت کاملی نیست و جالب اینکه شخص مولانا نیز به چنین اطلاق ناقصی اعتراض کرده و می‌سراید:

مگر چه شایسته است
که بزرگی را بزرگ
بخوانند و بزرگی را
کوچک بگویند
مگر چه شایسته است
که بزرگی را بزرگ
بخوانند و بزرگی را
کوچک بگویند
مگر چه شایسته است
که بزرگی را بزرگ
بخوانند و بزرگی را
کوچک بگویند

دقیقا همین مشکل برای توصیف شخصیت مرحوم حضرت آیت الله حسن زاده آملی وجود دارد و در اصل با مطالعه توصیفات افراد مختلف از این شخصیت جامع الاطراف، می‌توان از زبان ایشان گفت:
هر کسی از ظن خود شد یار من
از درون من نجست اسرار من

کسی می‌تواند شخصیت مرحوم علامه ذوالفنون را به درستی ترسیم کند که بر علوم تحت تسلط علامه که بالای ۱۹۰ جلد کتاب مرقوم فرموده اند، اشرافیت و یا حداقل شناخت نسبی داشته باشد، تردید نباید کرد که مرحوم علامه حسن زاده آملی با استناد به جامعیت علمی و شخصیت تأثیرگذار اجتماعی و نیز نفوذ کلام معنوی و دینی اش، به تنهایی یک ملت بود و هرگونه قصور یا یکسویه نگری در شناساندن ابعاد متنوع این شخصیت توانمند، غفلتی غیرقابل و جرمی نا بخشودنی است.

در ترسیم این شخصیت بزرگ که در علوم جدید و قدیم تبحر کم نظیری داشت، یاد کتاب فاطمه فاطمه است دکتر شریعتی افتادم که می‌نویسد:

(۱) (۲) (۳) (۴) (۵) (۶) (۷) (۸) (۹) (۱۰) (۱۱) (۱۲) (۱۳) (۱۴) (۱۵) (۱۶) (۱۷) (۱۸) (۱۹) (۲۰) (۲۱) (۲۲) (۲۳) (۲۴) (۲۵) (۲۶) (۲۷) (۲۸) (۲۹) (۳۰) (۳۱) (۳۲) (۳۳) (۳۴) (۳۵) (۳۶) (۳۷) (۳۸) (۳۹) (۴۰) (۴۱) (۴۲) (۴۳) (۴۴) (۴۵) (۴۶) (۴۷) (۴۸) (۴۹) (۵۰) (۵۱) (۵۲) (۵۳) (۵۴) (۵۵) (۵۶) (۵۷) (۵۸) (۵۹) (۶۰) (۶۱) (۶۲) (۶۳) (۶۴) (۶۵) (۶۶) (۶۷) (۶۸) (۶۹) (۷۰) (۷۱) (۷۲) (۷۳) (۷۴) (۷۵) (۷۶) (۷۷) (۷۸) (۷۹) (۸۰) (۸۱) (۸۲) (۸۳) (۸۴) (۸۵) (۸۶) (۸۷) (۸۸) (۸۹) (۹۰) (۹۱) (۹۲) (۹۳) (۹۴) (۹۵) (۹۶) (۹۷) (۹۸) (۹۹) (۱۰۰)

حالا بحث ما در باره علامه ذوالفنون آية الله مرحوم حسن زاده
 همینگونه است که نمی‌توانیم برشهای کوتاه دیگران را به شکل مجزای
 از هم بپذیریم، زیرا مدح ناقص هم مثل دفاع بد است که گاهی در شأن
 بزرگان نیست
 اینکه بگویند:

- علامه شاعر شعرهای مازندرانی است
- علامه واعظ و منبری خوبی است!
- علامه خوش حافظه و درسخوان بود
- علامه مدرس و سخنران خوبی بود
- علامه مدتی در جبهه‌ها بود
- علامه قلم‌رسانی داشت
- علامه شاگردان زیادی داشت
- علامه دلبستگی به مادیات دنیا نداشت
- علامه خوش اخلاق و با محبت بود
- علامه همسایه داری می‌کرد
- علامه در علوم نقلی و عقلی سرآمد بود
- علامه.....

به تاسی از کتاب؛ فاطمه، فاطمه است؛ باید اذعان داشت که همه
 اینها معرف علامه است، اما همه اینها آن علامه واقعی مدنظر ما
 نیست، زیرا علامه موردنظر ما جامع همه علوم قدیم و جدید و مظهر
 حکمت و عرفان است و توجه به یک بعد از مجموعه ابعاد شخصیتی آن
 بزرگوار، مصداق بارز صفات رذیله کم‌فروشی است، زیرا علامه،
 ذوالفنون است و ما باید با تحقیقی همه جانبه، هم‌جهل زدایی از
 شناخت عمومی را مدنظر قرار دهیم و هم با مخالفت‌های معاندین،
 مقابله مستند و مستدل کنیم

مخالفانی که بیشتر با مواضع انقلابی و ولایی ایشان تضاد مواضع

دارند، اما در ادامه تلاش گسترده‌ای را برای ترور و تخریب شخصیت ایشان ترتیب می‌دهند تا جایی که علیرغم گستره موسع نفوذ ایشان در بین اقشار مختلف مردم به استناد دیدارها و اظهارات و نیز تشییع و مراسم بزرگداشت ایشان، حتی منکر جایگاه مشهود ایشان در بین مردم می‌شوند

تا وقتی که شناخت ما از این بزرگوار کامل نشده و یا به حد نصاب نرسد، همواره محتمل است که اولاً بهره ما از خورشید وجودی ایشان همچنان ناچیز و حداقلی باشد و ثانیاً امکان تأثیرپذیری از بدخواهان و معاندان و حسودان وجود دارد و ثالثاً در یک جنگ شناختی، احتمال جایگزینی عالم نماها و مدعیان قلابی علم و دین و زهد و عرفان افزایش خواهد یافت و از این رو این سالروزها و کلا موقعیت‌ها و مناسبت‌های منتسب به معظم له فرصت مناسبی برای توسعه شناخت ایشان است که باید آن‌ها را قدر دانست و هدف اینجانب از این مقال در این مجال دقیقاً تحقق همین ضرورت است.

علامه حسن حسنزاده در اواخر سال ۱۳۰۷ هجری شمسی در روستای «ایرا» بخش لاریجان شهرستان آمل متولد شد. او در ۶ سالگی خواندن و نوشتن را در مکتب‌خانه آموخت و در سال ۱۳۲۳ دروس حوزوی را آغاز کرد. ادبیات عربی و درسهای مقدماتی را در آمل از محمد غروی، عزیزالله طبرسی، احمد اعتمادی، عبدالله اشراقی، ابوالقاسم رجائی، میرزا ابوالقاسم فرسی و دیگران آموخت. همزمان چند کتاب از درسهای مقدمات حوزوی را تدریس کرد.

آیت‌الله حسنزاده، همزمان با اتمام دروس مقدماتی حوزه، لباس روحانیت پوشید و در ۲۲ سالگی، در شهریور ۱۳۲۹ش برای ادامه تحصیل، وارد تهران شد. سید احمد لواسانی، یکی از اساتید او در تهران بوده و حسنزاده، بخشهایی از کتابهای شرح لمعه و قوانین الاصول را از وی آموخت.

حسنزاده، سالهای طولانی در درس علامه شعرانی شرکت کرد و کتابهای بسیاری در علوم مختلف را از او آموخت؛ از جمله در فقه: مکاسب و بخشهایی از جواهرالکلام، در اصول فقه: رسائل و کفایه، در فلسفه: شرح خواجه نصیرالدین طوسی بر اشارات ابن سینا، اسفار اربعه، بخشی از کتاب شفای ابن سینا، در قرآن و تفسیر: تفسیر مجمع البیان، شرح شاطبیه (در قرائت)، در ریاضی و هیات و نجوم: فارسی هیات قوشچی،

شرح چغمینی قاضیزاده رومی، اصول اقلیدس و اُکَر مانالاؤوس به تحریر خواجه نصیرالدین طوسی، شرح علامه خفّری بر تذکره خواجه، زیج بهادری، مجسطی بطلمیوس به تحریر خواجه طوسی، در طب؛ قانونچه چغمینی و تشریح کلیات «قانون» بوعلی سینا و در رجال و درایه؛ دوره دو جلدی جامع الرواة اردبیلی و درایه از تالیفات خود علامه شعرانی.

علامه حسنزاده آملی از علامه شعرانی اجازه اجتهاد و اجازه نقل حدیث دریافت کرد. همچنین با راهنمایی وی، در دروس آیت‌الله سیدابوالحسن رفیعی قزوینی همچون اسفار ملاصدرا، شرح علامه فناری بر مصباح الانس و دروس خارج فقه و اصول شرکت نمود.

علامه حسنزاده، ۱۱ سال نزد مهدی الهی قمشاهی، حکمت «منظومه» سبزواری، مبحث نفس اسفار و حدود نصف «شرح خواجه بر اشارات» ابن سینا را فرا گرفت. همچنین در جلسات تفسیر قرآن او حاضر شد. الهی قمشاهی، همچنین بر دیوان شعر حسنزاده مقدمه نوشته است.

آیت‌الله محمدتقی آملی، استاد درس خارج فقه و اصول حسنزاده در تهران بوده است. حسنزاده، شرح قیصری بر فصوص الحکم و قسمتی از اوائل طبیعیات شفای شیخ الرئیس را در درس شیخ محمدحسین فاضل تونی شرکت کرد. همچنین بخشی از شفای ابوعلی سینا را نزد میرزا احمد آشتیانی خواند.

علامه در سال ۱۳۴۲ش از تهران به قم رفت و به مدت ۱۷ سال در دروس علامه طباطبایی، برادر علامه و سید محمدحسن الهی حاضر شد. در این مدت، بخش‌هایی از کتاب بحارالانوار محمدباقر مجلسی و تمهید القواعد را نزد علامه طباطبایی خواند. همچنین در دروس فلسفی و عرفانی سید محمدحسن الهی شرکت کرد. حسنزاده از این دوره به نیکی یاد کرده و بخش‌هایی از تأثیرپذیری اخلاقی را به این دوره نسبت داده است. استاد دیگر او سید مهدی قاضی طباطبایی، فرزند سید علی قاضی بود که در علوم غریبه و حکمت و عرفان، شهره بود.

این فیلسوف بزرگ ایرانی پس از سکونت در قم، ۱۴ دوره شرح منظومه، چهار دوره اشارات، یک دوره اسفار اربعه و چهار دوره شرح فصوص قیصری را تدریس کرد. شرح تمهید و مصباح الانس نیز از جمله تدریس‌های اوست. او همچنین حدود ۱۷ سال دروس ریاضیات، هیات، وقت و قبله را درس داده که کتاب دروس «معرفة الوقت و القبلة» محصول آن

درسهاست.

علامه حسن زاده آملی، کتاب‌هایی چون نهج‌البلاغه، اسفار اربعه، کشف المراد، کلیله و دمنه و گلستان سعدی را تصحیح کرده و دیوان اشعاری نیز به چاپ رساند.

در این ارتباط حوزه علمیه خواهران استان مازندران دومین همایش ملی هفت شهر عشق را با حضور شاگردان علامه حسن زاده آملی و فرهیختگان علمی در مصلی شهرستان جویبار برگزار می‌کند.

این همایش به منظور بزرگداشت مقام علمی، اخلاقی و سیاسی علامه ذوالفنون حسن زاده آملی (ره)، در روز چهارشنبه اول اسفند ماه از ساعت هشت تا ۱۳ در مصلی شهرستان جویبار برگزار خواهد شد.

علامه حسن زاده آملی شنبه شب سوم مهر ماه سال ۱۴۰۰ در سن ۹۳ سالگی و پس از یک دوره سخت بیماری در بیمارستان امام رضا (ع) شهر آمل دیده از جهان فروبست.